

تاریخچه حقوق بشر در اسلام

هنگامی که مفاهیم حقوق بشر را در بستر تعالیم اسلام مورد بررسی قرار می دهیم قبل از

هر نوع پیشداوری باید نکاتی را به عنوان پیش فرض در زمینه تبیین مبانی و مفاهیم حقوقی

مد نظر قرارداد زیرا که بی توجهی و یا بی اطلاعی از این پیش فرضها و مرز بندیها در

بسیاری از موارد موجب گمراهی و انحراف از تعالیم واقعی اسلام می گردد. اینک به

برخی از این اصول و پیش فرضها به منظور روشنتر شدن موضوع بحث اشاره می شود.

۱ - مبانی فلسفی و عقیدتی بسیاری از اصولی که بنام حقوق بشر مطرح می گردد و حتی

مفاهیم برخی از این اصول از دیدگاه اسلام با آنچه که در تفکر غربی تحت همین عناوین

ارائه می شود متفاوت و احیاناً "فاقد مشترکات اصولی است ۱ .

۲ - برای کسانی که حتی مختصر اطلاعاتی از اسلام و تاریخ آن دارند روشن است که

بحث حقوق بشر از دیدگاه اسلام صرفاً "یک بحث انفعالی و تطبیقی نیست و ما امروز از

آن جهت به این بحث کشانده نشده ایم که در برابر اندیشه های حقوقی و سیاسی غرب

تفکر مشابهی را به نام اسلام مطرح نمائیم و یا صرفاً "در مقایسه دو دیدگاه خود را از

عقب ماندگی تبرئه نمائیم .

اصولی چون کرامت انسان و آزادی و مساوات و برخورداری از امنیت و دفاع مشروع و

تامین اجتماعی و تعلیم و تربیت و نفی اکراه و اجبار و حمایت از حقوق زن و کودک و

محرومات جامعه و احترام به مالکیت و دیگر مفاهیم حقوق طبیعی و فطری و قراردادی انسان، از مفاهیم و مقوله های حقوقی و سیاسی آشنا در فقه و تاریخ اسلام می باشد.

وقتی مباحث عمده عدالت اجتماعی و مفاهیم و ارکان تحقق امت از دیدگاه اسلامی مطرح می شود خود به خود این اصول و مفاهیم که امروز به حقوق بشر شهرت یافته مورد بحث قرار می گیرد.

بدون تردید با مراجعه به نصوص اسلامی و تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی در طول پانزده قرن می توان به وضوح به این حقیقت پی برد و وجود یک تصور و اندیشه مشخص اسلامی در زمینه مسائل حقوق بشر را دریافت و به این حقیقت پی برد که مسائل حقوق بشر چه در تئوری و چه در عمل همواره در تاریخ اسلام مطرح و مورد توجه بوده است ۱.

۳- اندیشه حقوق بشر در اسلام بر مبنای تفکر توحیدی است نه اومانیسم، آنگونه که در تفکر غرب دیده می شود. بر اساس تفکر فلسفی اسلام، انسان یک موجود خود آفریده و یا مخلوق فعل و انفعالات کور و کر طبیعت و بطور کلی یک موجود مستقل نیست. انسان مخلوق خداوند علیم و حکیم و تابع قوانین کلی آفرینش و اراده تکوینی خداوند است که در عمل نیز باید از اراده تشریحی خدا پیروی نماید ولی در عین حال، در اندیشه اسلامی،

بشر در عمل آزاد است و اجبار در عمل چه از ناحیه خداوند و چه از طرف دیگر انسانها نفی شده است و همین پیچیدگی فلسفی است که جبر تکوینی را با اختیار علیم از یک سو و تکلیف الهی و تکامل انسان را از سوی دیگر در صحنه زندگی فردی و اجتماعی انسان

گرد آورده است و موجب گردیده که بحث حقوق بشر از پیچیدگی خاصی برخوردار گردد و مرزبندی بخشهای فلسفی و حقوقی و سیاسی آن دشوار تلقی شود ۱.

۳- مکرر - مفهوم اختیار آزادی انسان در تفکر اسلامی مطلق العنان بودن بشر نیست . انسان می تواند در برابر سنن آفرینش و قانونمندی حاکم بر جهان مقاومت کند و در زندگی

فردی و اجتماعی از قوانین الهی سرپیچی نماید . انسان در انتخاب این دو راه که در منطق اسلام به ضلالت تعبیر شده هیچگونه مانع و رادعی از نظر تکوینی ندارد ولی آنچه که در

این وادی آزادی انسان را محدود می کند احساس مسئولیت و تکلیف است که اگر بتوان در حدود آن مناقشه نمود در اصل آن نمی توان خدشه ای وارد کرد .

در تفکر اسلامی انسان آزاد ولی مسئول شناخته شده است و میزان مسئولیت انسان است که حدود آزادی او را تعیین و مشخص می کند ۲.

۴- اعتبار حقوق بشر و الزام آور بودن آن، در تصور ما بدان خاطر است که حقوق بشر جزئی از مکتب اسلام و قوانین الهی است و ایمان به این مکتب است که به حقوق بشر اعتبار می

بخشد و آن را الزام آور می کند . بهمین دلیل است که در تفکر دینی ، حقوق بشر از عمق و الزام و ضمانت اجرای بیشتری برخوردار می گردد .

۵ - همه آنچه که تحت عنوان حقوق بشر در اسلام مطرح می شود از احکام تاسیسی اسلام نیست ، بلکه بخشی از این مفاهیم جزء احکام امضائی اسلام است که به دلیل منطقی و متناسب بودن با فطرت انسان مورد تایید قرار گرفته و از دیدگاه اسلام به عنوان حقوق الزامی بشر شناخته شده است .۱

۶ - براساس دو اصل فقهی "اباحه" ۲ و "برائت" اصولاً انسان در هر نوع عملی که حکم صریحی در آن زمینه درنصوص اسلامی یافت نشود آزاد است و قلمرو این آزادی شامل صحنه های وسیعی از زندگی فردی و اجتماعی می گردد که در مقوله های مختلف حقوق بشر می تواند تاثیر مثبتی داشته باشد .

۷ - در فقه اسلامی ، احکام به دو دسته الزامی و غیر الزامی تقسیم می شود که دستورات الزامی شامل واجبات (بایدها) و محرمات (نبایدها) می گردد.

احکام غیرالهی که درسه نوع مستحبات و مکروهات و مباحات مطرح می شود و در حقیقت قلمرو آزاد زندگی بشر می باشد و انسان می تواند براساس این تقسیم بندی در خارج از قلمرو احکام الزامی (واجبات و محرمات) در انتخاب راه و شیوه زندگی آزاد

باشد و در این قلمرو وسیع اباحه به قانون گذاری در زمینه های مختلف زندگی از آن جمله حقوق بشر پردازد و این قوانین را براساس اصل احترام به قراردادها به صورت قراردادی بر خود و دیگران الزام آور سازد .

در سلام توصیه شده است که در این قلمرو آزاد زندگی بشر که بسی فراختر از بخش مربوط به احکام الزامی است از محدود ساختن خود و حتی از تکلیف در بدست آوردن حکم الزامی شرعی خودداری نماید .

علی علیه السلام در این زمینه می فرماید : " ان الله و سکت عن اشیاء ولم یدعها نسیانا " فلا تکلفوها "

۸- یکی از منابع و ادله فقهی عقل است ، عقل به مفهوم نظری و هم به معنی عملی کاربردی وسیع در استنباط احکام اسلامی دارد . این خود دلیل واضحی بر کرامت و قداست و احترام انسان در دیدگاه اسلامی است که خداوند به انسان اجازه داده است که از این حق الهی بهره مند گردد و دست به قانونگذار بزند "

۹- اسلام این حق و امتیاز بزرگ را برای بشر قائل است که اصولاً قبول دین و تسلیم به شریعت وقتی معتبر است که این امر براساس عقل و استدلال منطقی باشد و تبیین دین و شریعت برای انسان به مرحله قابل قبولی رسیده باشد . عقلایی بودن دین و مبانی و مفاهیم

و تعالیم آن بالاترین حق و امتیاز و کرامتی است که اسلام ویژگی اعطای آن را به انسان دارد ۲.

۱۰ - عنصر حقوقی و سیاسی "مصلحت جامعه" در تفکر اسلامی گرچه به تئوری احکام حکومتی دولت اعتبار و مشروعیت بخشیده و بدینوسیله در موازنه حقوق و آزادیهای فردی و اقتدارات دولت موجب افزایش اختیارات دولت گردیده است، ولی اگر دقت بیشتری در همین مساله اصولی مبذول شود روشن می گردد که احکام حکومتی خود ابزار قابل اطمینانی است که دولت می تواند با استفاده از آن نقطه نظرهای کور حقوق بشر را پوشاند، از سوی دیگر باید توجه داشت که مشروعیت حکومت و دولت از دیدگاه اسلام با آراء آزاد مردم تامین می گردد ۳.

تاریخچه حقوق بشر را در اسلام باید از دو بعد مورد مطالعه قرارداد: از بعد نظری در لابلای نصوص اسلامی و سپس از نقطه نظر تاریخی در لابلای تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی گذشته و کنونی.

تئوری حقوق بشر در اسلام

برای شناخت تاریخ تئوری حقوق بشر در اسلام ناگزیر باید آن را به دو بخش زیر تقسیم و هر کدام را بطور جداگانه مورد بررسی قرارداد:

الف - تاریخ تکوین حقوق بشر در اسلام

ب - تاریخ تدوین حقوق بشر در اسلام

در مورد بخش اول باید توجه داشت که تاریخ تکوین مجموعه حقوقی اسلام با نزول

آیات قرآن و گفتار پیامبر و سیره عملی و تقریرهای آن حضرت ترسیم شده است . لذا در

این بحث کافی است ما به بخشی از آیات و احادیث مربوطه اشاره نمائیم و از آنجا که

محققین شرکت کننده در سمینار در هر مورد که بحث خواهند کرد به نصوص اسلامی

مربوطه اشاره خواهند نمود , لہذا ما در این بحث نیازی به استقصای همه نصوص وارد شده

را نداریم و تنها به برخی از آنها اکتفا می نمائیم :

۱ - حدیث " مثل المومنین فی توادهم و تراحمهم و تعاطفهم مثل الجسد الواحد اذا اشتكى

منه عضو تداعى له سائر الجسد بالسهر والحمى ۱ اشاره به این نکته دارد که : اعضای

جامعه با ایمان در ابراز مهر , دلسوزی و عواطف مانند یک تنند که هر گاه عضوی از بدرد

آید دگر عضوها را نماند قرار . مفاد این حدیث موازنه ارزش فرد و جامعه است در

دید گاه اسلام ارزشها و نقشها و خلاقیتهای اجتماعی از وجود افراد متجلی می گردد و

بهمین دلیل رشد آن از هدفهای اصیل و قابل توجه زندگی محسوب می شود ولی در عین

حال ارزش و اصالت جامعه هرگز نادیده گرفته نمی شود .

همان قدر که فدا کردن جامعه و وحدت برای فرد و واحد به دور از عقل و منطق و در جهت تخریب ارزشهاست فدا کردن فرد در برابر جامعه و واحد در برابر وحدت نیز غیر منطقی و موجب پایمال شدن ارزشها و توقف قافله رشد انسانی است .

۲ - حدیث : انما یجمع الناس الرضا و السخط ۱ روشنگر بنیان اصیل وحدت و انسجام

براساس رضایت عمومی است که پایه اساسی دموکراسی را در تفکر سیاسی اسلام تبیین می کند و بدون آن (رضایت عمومی) نظام سیاسی مشروعیت خود را از دست می دهد .

۳ - آیه : ان هذه امتکم امه : واحده : وانا ربکم فاعبدون ۲ مبین این حقیقت است که در

تئوری امت در دیدگاه اسلامی ، فرد برحسب ادراک وارده و اختیار خود و ایمانی که به ارزشهای والا دارد جزئیت کل (جامعه - ملت - امت) را می پذیرد و خود را وقف آن و گاه فدای آن می سازد و این ، عالیترین مرحله آزادی بشر محسوب می شود ۳ .

۴ - در جهان بینی اسلام حق آزادی و اختیار در همه حال برای فرد به عنوان حق غیر قابل

سلب ثابت و محفوظ است می توان از آیه : انا هدیناه السبیل اما شاکرا\ او کفورا\ ۴ و آیه من شاء فلیومن شاء فلیکفر ۵ دلیل واضحی براین تفکر استنباط نمود .

۵ - حقوق و اصالت فرد در کنار حقوق و اصالت جامعه حتی در بازگشت نهائی انسان که

در عقیده معاد متجلی است نیز ظاهر می گردد : لقد جئتمونا فرادی کما خلقنا کم اول مره

۶ - گرچه مرزبندی حدود حاکمیت دولت و تعیین قلمرو دقیق حقوق و آزادیهای فرد در جامعه از چنان پیچیدگی برخوردار است که در بسیاری از موارد - علیرغم صراحت قانون - در عمل تشخیص آن بسیار دشوار است ولی باید توجه داشت که مشکل تضادم و تضاد

تنها اختصاص به برخورد حقوق فردی با حق حاکمیت دولتها نیست بلکه در این ماجرا فرد در برابر فرد یا افراد نیز مطرح است .

در اسلام , در تمامی این مراحل دقیق و دشوار , به انسان به چشم : انی جاعلك في الارض خليفه ۱ و نیز یا ایها الانسان انك كادح الی ريك كدحا^۱ "قملاقیه ۲ نگریسته شده و حقوق فردی در تمامی تنگناها محترم شمرده شده است .

۷ - در اندیشه سیاسی اسلام تنها واکنش قهری فرد یا جامعه در برابر بی نظمی و پدیده ظلم و اختلاف نیست که احترام به حقوق آدمی را ایجاب می کند بلکه این تحمیل از آنجا نشأت می گیرد که او به نیاز خود و دیگران به تکامل اعتقاد دارد و سرنوشت متعالی انسان و کرامت ذاتی او در حد : و نفخت فیه من روحی ۳ شناخته شده است .

۸ - در تفکر اسلامی جهالت نسبت به موضع و جایگاه اصیل انسان و ارزش والای آن مایه اصلی همه بی عدالتیها و ستمها و عدم شناخت صحیح انسان از خویشتن بوده و تا انسان به شناخت صحیح از خود و دیگران نرسد نسبت به مسئولیتهايش جاهل خواهد بود .

كفی بالمرء جهلا ان لا یعرف قدره ۴ .

۹ - در نصوص اسلامی بر ارزش و احترام به انسان علیرغم پیرایه ها و طبقه بندیهای

عارضی تاکید شده است : فانهم صنفان اما اخ لك في الدين او نظير لك في الخلق ۵ .

۱۰ - آفرینش انسان یکسان و از طبیعت برابر برخوردار است : الذی خلقکم من نفس

واحدة : و خلق منها زوجها وبث منهما رجالا كثيرا\ و نساء ۱ .

۱۱ - آیه : ما كان الناس الا امه : واحدة : فاختلّفوا ۲ بیانگر نفی فاصله و تبعیضهای ناروا است

۱۲ - در دیدگاه قرآن تفاوتها جنبه ارزشی ندارد بلکه صرفاً\ مربوط به پیچیدگی های

نظام آفرینش و عامل معرفت رشد فکری انسان می باشد :

يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكر وانثى وجعلناكم شعوبا\ و قبائل لتعارفوا ۳ .

۱۳ - برای نفی هر گونه تبعیض ناروا در میان انسانها : پیامبر اکرم فرمود : ايها الناس ان

ربكم واحد وان اباكم واحد كلکم لادم و آدم من تراب ... ۴

۱۴ - ارزش و جایگاه هر انسان در جامعه و در نهایت بسته به عمل اوست (قیمة : کل امرء

ما یحسنة و کل نفس بما کسبت رهینه : ۵ .

۱۵ - اسلام امتیاز طلبی ها براساس زر و زور و سایر معیارهای مادی مطرود شمرده و آنرا

مورد نکوهش قرار داده است و قالوا نحن اکثر اموالا و اولاد ۵ و ما نحن بمعدین ۶.

۱۶ - در قضاوت عادلانه اسلامی حتی در نگاه کردن هم باید مساوات را مراعات کرد:

وَأَسْ بَيْنَهُمْ فِي الْلِحْظَةِ : وَ النَّظَرَةِ : ۷.

۱۷ - میزان مساوات در اسلام حق و عدالت است: (ولیکن امر الناس عندک فی الحق

سواء ۸. و اعلمو ان الناس عنانا فی الحق سواء ۹ در یک کلام: خذسواء واعظ سواء)

وسائل ۱۲ ص) .

۱۸ - قرآن امنیت را از نتایج رشد و تکامل بشر می داند: ولیدلنهم من خوفهم امناء" ۲ و

شهرها من را الگوی مدینه فاضله معرفی می کند: ضرب الله مثلا قریه: کانت آمنه: ۳.

۱۹ - قدرت سیاسی در تفکر اسلامی صرفاً" وسیله ای برای هموار کردن راه رشد انسانها

است نه هدف و یا وسیله سرکوب: اللهم انک تعلم انه لم یکن الذی ۴.

۲۰ - مصونیت هر انسان آگاه و متعهد به راه انسانی از هر نوع تعرض حقی است مسلم که

اسلام بر آن تاکید می ورزد: لاترعووا المسلم فان روعه: المسلم ظلم عظیم و من نظر الی

مومن لیخیفه بها أخذه الله عزوجل یوم لا ظل الاظله ۵.

۲۱- رسول گرامی اسلام بخش عظیمی از حقوق فردی را در این خطاب تاریخی مشخص نمود: آنجا که فرمود:

من اهان مومنا\ "فقد بارزنی بالحرب وسباب المومن فسوق و قتاله كفروا كل لحمه معصيه و حرمة: ماله كحرمة: دمه: ۶.

۲۲- در فلسفه سیاسی اسلام هدف بعثت انبیا باز گرداندن انسانها به آزادی است. فان الله بعث محمدا\ "ليخرج عباده من عباده: عباده الى عباده ۱. و نه انسانهایی که کرامت خود را بخاطر نیاز از کف می دهند می گوید: لاتکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرا\ " ۲.

۲۳- شعار لاتظلمون و لاتظلمون از اصیلترین شعارهای انسان دوستانه ایست که قرآن برای ریشه کن نمودن مایه های تجاوز مطرح کرده است ۳.

۲۴- نفی اکراه از مقوله های حقوقی روشنی است که ضمن تحریم سلب آزادی انسان بصورت یک اصل حقوقی در محاکمات بکار گرفته می شود: حدیث رفع ۴ و آیه لااکره فی الدین ۵.

تاریخ تدوین حقوق بشر در اسلام

با گردآوری آیات قرآن کریم در همان نخستین سالهای نزول قرآن، اولین مرحله تدوین حقوق بشر در اسلام انجام گرفت و تبیین مسائل مربوط به حقوق بشر در مجموعه آیات الهی در ذکر حکیم گردآوری و تدوین گردید و از این رو می توان تاریخ تدوین حقوق

بشر را در اسلام به دهه دوم قرن اول هجری و دهه های آخر قرن هفتم میلادی نسبت داد و قرآن را در مقایسه با آنچه که در غرب تحت عنوان حقوق بشر تدوین شده یکی از کهنترین اسناد مدون در حقوق بشر شمرد .

با جمع آوری گفته ها و عملکردها و تفریرهای پیامبر اسلام (ص) و تدوین احادیث و سیره و تالیف جوامع حدیث و سیره نبوی گام دیگری بصورت وسیعتر در زمینه تدوین حقوق بشر در اسلام برداشته شد و مبانی و ریشه های حقوق بشر در لابلای کتب حدیث و سیره مطرح گردید و مانند دیگر بخشهای علوم اسلامی زمینه را برای بررسی و تحقیق و تحلیل اندیشمندان اسلامی فراهم آورد . قرن سوم هجری شاهد صدها کتاب و جامع و سیره نگاری بوده است که با نامهای مختلف اصول و مبانی تفکر جامع اسلام را در زمینه فرهنگ و تمدن بشری و از آن جمله حقوق بشر مطرح نموده است .

خوشبختانه اکثر این کتب و جوامع حدیث که شامل گفته ها و عملکرد های پیامبر در کل مسائل اسلامی است از گزند حوادث تلخ و ویرانگر تاریخ مصون مانده اند و ما امروز به طور مستقیم به بخش عظیمی از این میراث گرانبهای فرهنگی و علمی تاریخ صدر اسلام و به طور غیر مستقیم به اکثر آنها دست رسی داریم .

تتقیح کتب , اصول و جوامع اولیه حدیث توسط محدثین و محققین اسلامی مرحله جدیدی را در زمینه مسائل اسلامی و از آن جمله مسائل مربوط به حقوق بشر در سیر

تاریخی تدوین حقوق بشر در اسلام آغاز نمود. در این مرحله کار تقسیم بندی موضوعی احادیث و تبیین و طبقه بندی سندی روایات و در نتیجه مشکل تعارض احادیث آشکارتر و منقح گردید.

با آغاز تدوین فقه و اخلاق (دو رشته بسیار مهم از علوم اسلامی) که شکل جامعه آن در قرون سوم و چهارم تجلی نمود مباحث حقوق بشر در اسلام در کتاب های فقهی و اخلاقی این عصر همچون مبسوط شیخ طوسی بطور استدلالی مطرح و مورد نقد و تحلیل قرار گرفت.

تحولات بعدی فقه را بویژه در قرنهای هفتم و هشتم هجری می توان در کتب فقهی چون مولفات محقق و علامه حلی جستجو نمود و نیز در دوران شکوفائی فقه اسلامی در قرنهای سیزده و چهارده هجری مسائل حقوق بشر در اسلام بصورت عمیقتر و روشنتری در لابلای طبقه بندی و موضوع بندی سنتی فقه در مباحث سیاسی فقه عنوان گردید.^۱

در عصر ما فقهای بزرگ چون حضرت امام خمینی گامهای بلندی در گشودن راههای جدید در بینش فقهی برداشتند که ضمن وارد کردن مقوله های عرفانی در شخصیت و ارزش انسان به قلمرو مباحث فقهی حقوق بشر اصولاً باتکیه به دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد افقهای جدیدی را برای صاحب نظران در برداشت از نصوص اسلامی متناسب با انسان معاصر باز نمودند.^۲

تحول حقوق بشر در تاریخ اسلام

مطالعه تحولات حقوق بشر در صدر اسلام، در دوران حیات پیامبر اسلام و در حقیقت

نشانگر یک انقلاب سیاسی و ارزشی در زمینه مسائل حقوق بشر می باشد (۴۶)

احترامی که پیامبر به عنوان شخصیت برتر الهی و مقام رسمی سیاسی برای انسانها از هر عقیده و رنگ و طبقه اجتماعی قائل بود و شخصیتی که به زنان داد و اعمال جاهلیت را در زمینه های تحقیر و تبعیض و ستم نسبت به انسانهای محروم تقبیح نمود در تاریخ بشر کم نظیر است.

وقتی پیامبر در برابر جنازه یک یهودی از جا بلند می شود و با یهودیان و مسیحیان متحد و با قبول پیوستن آنها به جامعه اسلامی وحدت ملی را پایه ریزی می کند و زنده به گور کردن دختران را به عنوان یکی از زشت ترین صورت های تحقیر بشر مورد تقبیح قرار می دهد و یاران خود را به آزادی و اظهار نظر حتی در برابر نقطه نظرات خود تشویق می کند و نشستن ساده و بدون نشانه در حلقه یارانش را بر تکیه بر مقام و اریکه قدرت ترجیح می دهد، تصویری از تعالی حقوق بشر را در تاریخ تاریک و سراسر ستم عصر خود ترسیم می کند.

یاران پیامبر که تربیت شده این مکتب بودند هر کدام الگویی از این تصور و تصویر بودند . در این میان علی علیه السلام بیش از هر شخصیت اسلامی دیگر در این زمینه سختگیر و روشنگر بود .

از آنجا که جز اختصار در کلام راه دیگری وجود ندارد کافی است به فرازهائی از رفتار سیاسی امام در برخورد قضائی با خصم خود در دادگاه عدل اسلامی و نفی تبعیضهای ناشی از انتساب به پیامبر و قریش و نیز به دستور اکیدی که آن حضرت برای نصرانی پیرمرد سائل صادر فرمود که از بیت المال برایش جیره تعیین کنند توجه شود .

علی علیه السلام حتی امتیازاتی چون حضور در جبهه های بدر و حنین را در تقسیم مزیای اجتماعی مردود شمرد و از شکل گیری عوامل فشار که به دنبال کسب امتیازات بودند ممانعت نمود و رضایت مصلحت عمومی را اساس حکومت و مظهر اراده الهی برشمرد و تا لحظه آخرین عصر پربرکت خود از حقوق انسانها و آزادی ایشان دفاع و حمایت نمود . سخنان آن حضرت را در بحث گذشته در این زمینه از نظر گذارندیم .

متأسفانه در دوران خلافت امویان نظام طبقاتی و اندیشه امتیاز طلبی و انحصار جوئی ابتدا از طریق تحریف ارزشهای اسلامی و سپس به اتکاء قدرت مالی و نظامی و سیاسی در مناطق ، به دور از معارف اصیل اسلامی ، جایگزین مساوات و آزادی و احترام به حقوق

انسانها گردید و خلاف از این خط اصیل اسلامی منحرف شد و بسیاری از ارزشهای اسلامی در زمینه حقوق بشر مورد تحریف قرار گرفت

بنی العباس که ابتدا برای مبارزه با انحصار طلبی و رفتار ضد بشری امویان برخاسته بودند سرانجام بدلیل ماهیت عوامل موثر در انتقال قدرت به گروه اجتماعی جدید و عباسیان نیز به همان راه اسلاف خود کشانده شدند و این بار با شیوه ای دیگر ارزشهای اسلامی تحریف شد و تبعیض و بی احترامی و تحقیر به انسانها به صورتی شدیدتر از گذشته اعمال گردید .

اگر بنی امیه بنابر اصل خرافاتی برتری نژادی دست به نقض حقوق بشر زدند ، بنی العباس براین تصور که چون از خاندان پیامبرند خود را گروه ممتاز و برتر صاحب امتیاز شمردند و از این رهگذر برای توجیه رفتار غیر انسانی و ضد اسلامی خود به نوعی دیگر از تحریف ارزشهای اسلامی دست یازیدند ۱

بررسی جنبشها و قیامهای سیاسی و مسلحانه ای که در این دو دوره از تاریخ اسلامی رخ داده است نشان می دهد که انگیزه بسیاری از این تحولات ریشه در تبعیض و تحقیر و تضييع حقوق اساسی افراد و ارزش های اسلامی مربوط به این حقوق دارد ۲ .

در دوران امپراتوری عثمانی گرچه زیر پا گذاردن حقوق و آزادیهای اساسی ملت‌های مسلمان و نیز غیر مسلمان به امتیاز نژادی و امتیاز مذهبی کمتر ارتباط پیدا می کند ، ولی

اینان نیز مانند اسلاف اموی و عباسی خود تبعیضها و تحقیرها و ستمها و تزییع حقوق انسانهای تحت حکومت خود را زیر پوشش برخی از ارزشهای اسلامی مانند جهاد و ایجاد پان اسلامیسیم انجام دادند و با ملتها و قبائل غیر ترک و ملتهای غیر مسلمان رفتاری تحقیر آمیز و مبتنی بر تبعیض داشتند .

تصویر خشن و غیر عادلانه و نقض حقوق بشری که ترکهای عثمانی از اسلام در دوران حکومت مستبدانه خود ارائه دادند سالهای متمادی موجب گردید که اسلام در اندیشه غربیان در شکل یک تهاجم نظامی بیرحمانه و رفتار خشونت آمیز و تحقیر بشری تصور شود و تر " اسلام با شمشیر پیشرفت کرده است " در اذهان آنها رسوخ نماید .

تا آنجا که بسیاری از روشنفکران و نویسندگان مسلمان برای شستشوی ذهنی غربیان و از میان بردن این ذهنیت غلط ناگزیر شدند راه افراط پیموده ، دیگر اصول سیاسی اسلامی چون جهاد ونفی رکون و نفی سییل و نظائر آن را مردود شمرده و اسلام در پوششی از تسلیم و سازش ارائه دهند .

در دو قرن اخیر با کمال تاسف نفوذ استعمار غربی اکثر مسلمانان را از هویت اسلامی بیگانه و آنان را به گرایشهای تجدد طلبانه و معنی نادرست روشنفکری و رفتار و تفکر غیر مسئولانه لائیک سوق داد و در حقیقت در قرن اخیر مسلمانان نه به درستی راه و رسم

اسلامی را در زمینه احترام به حقوق بشر داشته اند و نه رفتار کاملاً غربی را اعمال کرده اند

۱.

هنگامیکه امروز قوانین اساسی کشورهای اسلامی را در زمینه حقوق بشر و رفتارهای

سیاسی را در این کشورها در زمینه حقوق اساسی و آزادی های فردی مورد مطالعه قرار

می دهیم، آثاری از گرایشهای شعاری به اندیشه غرب در زمینه حقوق بشر را می یابیم

ولی بیگانگی از هویت اسلامی و دوری از ارزشهای والای اسلامی در زمینه حقوق بشر

آنها را به بی مایگی و تضاد گفته و عمل کشانیده است.

تنها حادثه ای که در این عصر، قابل ذکر است تدوین حقوق بشر اسلامی است که اعضاء

سازمان کنفرانس اسلامی در سال جاری به آن دست یافته و تصویری نه چندان دور از

واقعتهای اسلامی از حقوق بشر را در یک میثاق بین المللی اسلامی ارائه داده است.

به اعتقاد ما قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بلندترین گام را در تصویر حقوق بشر در

اسلام برداشته و در یک فصل جداگانه تحت عنوان حقوق ملت و ملی بیش از ۲۴ اصل

مسائل حقوق و آزادیهای اساسی را برشمرده است.

جمهوری اسلامی ایران براساس چنین قانون اساسی بویژه اصل های ۱۳ و ۱۴ رفتار انسان

دوستانه و مبتنی بر احترام به حقوق بشر را نسبت به همه اقشار ملت اعم از اقلیتهای دینی و

سیاسی در پیش گرفته است که در مقایسه با دیگر دولتها بویژه کشورهای اسلامی، از

امتیازات چشم گیری برخوردار بوده است . جهان برخی از این حقایق را علیرغم تبلیغات سهمگین رسانه های گروهی صهیونیستی بین المللی در گزارش گالیندوپل نمایند ویژه سازمان ملل متحد مشاهده نمود ۱ .

در پایان این بحث فشرده لازم به تذکر است که بحث داغ حقوق بشر را درمخافق سیاسی جهان نباید جدی گرفت , همانطور که شعار صلح برای شرق کمونیست یک حربه سیاسی است , شعار حقوق بشر نیز برای امریکا و غرب چیزی جز یک چماق برای سرکوب مخالفین بویژه دولتهائی که منافع استعماری آنها را به خطر می اندازند نیست و بهمین دلیل است که لیست کشورهای ناقض حقوق بشر همواره درحال محو و اثبات است و چنان کش دار است که گاه میش بجای گرگ و گرگ بجای میش در این لیست ارائه می گردد.

منابع:

۱ - به عنوان نمونه می توان مقایسه بین دموکراسی بمفوم غربی و آزادی براساس اندیشه اسلامی را در این مورد در نظر گرفت .

۱ - آیه ۷۰ سوره اسراء : ولقد کرمانا بنی آدم ، به تنهائی می تواند سبقت و قدمت اندیشه حقوق بشر در اسلام را به اثبات برساند .

۱- رجوع شود به مقدمه کتاب انسان و سرنوشت نوشته استاد شهید مطهری و مقدمه کتاب جبر و اختیار تالیف علامه محمد تقی جعفری .

۲- رجوع شود به فقه سیاسی و ج اول از همین قلم صفحه ۵۵۲ .

۱- رجوع شود به بحث فطرت در تفسیر المیزان نوشته استاد علامه طباطبائی ج ۱۶ صفحه ۱۹۸ .

۲- اصل اباحه عبارت است از مباح بودن هر عملی مگر آنچه که شرع به طور معین آن را حرام شمرده است .

۳- اصل براءت عبارت است از مبرا از مسئولیت بودن هر انسان مگر آنکه تکلیف و یا جرم وی با دلیل معتبر ثابت گردد .

۱- نهج البلاغه : قصارالحکم : شماره ۱۰۵ :

۲- رجوع شود به فقه سیاسی ج ۳ از همین قلم صفحه ۹۵.

۳- لا اكره فى الدين قديين الرشيد من الغى (سوره بقره آیه ۲۳۲) در دین تحمیل نیست

این در حالی است که راه ردش و راه ضلالت آشکار گردیده است. رجوع شود به تفسیر

المیزان ج ۲ صفحه ۳۶۰.

۱- سفینه البحار ج ۱ صفحه ۱۳.

۱- سفینه البحار ج ۱ ماده رضا.

۲- سوره انبیا آیه ۹۲: اینست امت شما که امت یکپارچه است و من پروردگار شمایم پس

همگی خدا را پرستش نمائید.

۳- رجوع شود به تفسیر المیزان ج ۴ صفحه ۱۲۳.

۴- سوره انسان, آیه: ما انسان را آفریدیم او در سپاسگزاری و ناسپاسی مختار است.

۵- سوره كهف آیه ۲۹: هر كس خواست ایمان بیاورد و هر كه خواست كفر بورزد.

۶- سوره انعام آیه ۹۴: اکنون كه تنها بسوی ما آمدید همچنانكه شما را تنها آفریدیم.

۱- سوره بقره آیه ۳۰ رجوع شود به تفسیر المیزان ج ۱ صفحه ۱۱۵.

۲- سوره انشاق آیه ۶.

۳- سوره ص آیه ۷۲.

۴- نهج البلاغه : خطبه ۱۶ - ۹.

۵- همان : نامه ۵۳ - ۹.

۱- سوره نساء آیه ۱.

۲- سوره یونس آیه ۱۹.

۳- سوره حجرات آیه ۱۳.

۴- تحف العقول صفحه ۲۹.

۵- سوره مدثر آیه ۳۸.

۶- سوره سبا آیه ۳۶ و ۳۵.

۷- نهج البلاغه نامه ۲۷ و نامه ۴۶.

۸- همان : خطبه ۵۹.

۹- همان : نامه ۷۰: بدانید مردم در چشم ما یکسانند.

۱- وسائل الشیعه ج ۱۲ صفحه ۱۰: یکسان بگیر و یکسان بده.

۲- سوره نور آیه ۵۵: سرانجام امنیت را جایگزین ترسشان می سازد.

۳- سوره نحل آیه ۱۱۲: خداوند آبادی امن را مثال می زند.

۴- نهج البلاغه خطبه ۱۳۱: خدایا تو میدانی که آنچه ما در اختیار گرفته ایم وسیله ای است برای

۵- اصول کافی ج ۲ صفحه ۲۷۲: مسلمان را ترسانید زیرا ترساندن او ستمی بس بزرگ

است هر کس که به مومنی نگاهی بیافکند که او را بترساند خداوند او را در روزی که جز عنایت پروردگار کارسازی نیست مجازات خواهد.

۶- سفینه البحار ج ۱ صفحه ۴۱: هر کس که مومنی را بترساند با من اعلام جنگ نموده

است ناسزا گفتن و جنگ نمودن با او کفر است و دست درازی به مال او نافرمانی خدا است و احترام مال او مانند احترام خون او است.

۱- وسائل الشیعه ج ۳ صفحه ۱۴- نهج البلاغه خطبه ۱۵۴: خداوند پیامبر را مبعوث نمود تا

بندگان را از عبودیت دیگران آزاد سازند.

۲- وسائل الشیعه ج ۳ صفحه ۴۳- نهج البلاغه نامه ۳۱: بنده دیگری مباش ترا خدا آزاد

آفریده است.

۳- سوره بقره آیه ۲۷۹: نه ستم کنید و نه ستم پذیرید.

۴- رفع عن امتی تسعه ... و عما اکرهوا علیه (از امت من نه مورد از مسئولیتها و تکالیف

برداشته شده ویکی از آنها موردی است که فرد مورد اکراه قرار می گیرد .

۵- سوره بقره آیه ۲۵۶ .

۱- رجوع شود به فقه سیاسی از همین قلم ج ۲ صفحه ۵ .

۲- همان : صفحه ۶۵ .

۱- رجوع شود به انقلاب اسلامی و ریشه های آن از همین قلم صفحه ۱۴۶ چاپ دوم .

۲- همان : صفحه ۱۲۴ .

۱- رجوع شود به فقه سیاسی از همین قلم ج ۱ صفحه ۵۳۶ .

۱- همان : صفحه ۳۲۷ .

نویسنده : حجت الاسلام عباسعلی عمید زنجانی